

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Impact of Islamic Laws on Reducing Economic Corruption and Improving Financial Transparency Based on the Theories of Arthur Okun and Mohammad Baqir al-Sadr

Zahra Mousavi¹, Kianoush Rezaei*¹, Nastaran Karimi²

1. Department of Philosophy, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
2. Department of Law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

* Corresponding Author's Email: drkia.rezaei@basu.ac.ir

ABSTRACT

This article examines the impact of Islamic laws on reducing economic corruption and improving financial transparency using the theories of Arthur Okun and Mohammad Baqir al-Sadr. In the first section, the theories of Okun and Sadr are analyzed in detail and a comparative analysis is conducted between them. Okun, as a Western economist, emphasizes the importance of financial transparency and corruption reduction through the creation of transparent financial structures. In contrast, Sadr, focusing on Islamic principles and distributive justice, believes that Islamic laws can help improve financial transparency and reduce economic corruption. The second section of the article addresses the challenges and obstacles to the implementation of Islamic laws in the financial sector and proposes solutions to these challenges. Additionally, the possibility of adapting Islamic laws to global financial systems and suggestions for compatibility and improvement of these laws are examined. The findings of this study indicate that Islamic laws, with an emphasis on principles of justice, transparency, and ethics, can significantly contribute to reducing economic corruption and improving financial transparency. This article concludes with recommendations for future research, aiming to further enhance studies in this field.

Keywords: *Islamic laws, economic corruption, financial transparency, Arthur Okun, Mohammad Baqir al-Sadr.*

How to cite: Mousavi, Z., Rezaei, K., & Karimi, N. (2023). The Impact of Islamic Laws on Reducing Economic Corruption and Improving Financial Transparency Based on the Theories of Arthur Okun and Mohammad Baqir al-Sadr. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(2), 1-10.



تاریخ ارسال: ۲۷ مهر ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۱۱ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۲۷ آذر ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۲۵ دی ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تأثیر قوانین اسلامی بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی بر اساس نظریات آرتور اوکان و محمد باقر صدر

زهرا موسوی^۱، کیانوش رضایی^{۲*}، نسترن کریمی^۳

۱. گروه فلسفه، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

۲. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: drkia.rezaei@basu.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر قوانین اسلامی بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی با استفاده از نظریات آرتور اوکان و محمد باقر صدر می‌پردازد. در بخش اول، نظریات اوکان و صدر به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و مقایسه‌ای تطبیقی بین آن‌ها انجام شده است. اوکان به عنوان یک اقتصاددان غربی، بر اهمیت شفافیت مالی و کاهش فساد از طریق ایجاد ساختارهای مالی شفاف تأکید دارد. در مقابل، صدر با تأکید بر اصول اسلامی و عدالت توزیعی، معتقد است که قوانین اسلامی می‌توانند به بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی کمک کنند. بخش دوم مقاله به بررسی چالش‌ها و موانع اجرایی قوانین اسلامی در حوزه مالی پرداخته و راهکارهای مقابله با این چالش‌ها را پیشنهاد می‌دهد. همچنین، امکان تطبیق قوانین اسلامی با نظام‌های مالی جهانی و پیشنهادات برای سازگاری و بهبود این قوانین مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قوانین اسلامی با تأکید بر اصول عدالت، شفافیت و اخلاقیات، می‌توانند به طور قابل توجهی به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کنند. این مقاله با ارائه پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آینده، به تکمیل تحقیقات در این زمینه کمک می‌کند.

کلیدواژگان: قوانین اسلامی، فساد اقتصادی، شفافیت مالی، آرتور اوکان، محمد باقر صدر.

نحوه استناددهی: موسوی، زهرا، رضایی، کیانوش، و کریمی، نسترن. (۱۴۰۲). تأثیر قوانین اسلامی بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی بر اساس نظریات آرتور اوکان و محمد باقر صدر. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، (۲)، ۱-۱۰.



نظریه‌های آرتور اوکان

معرفی کوتاه آرتور اوکان

آرتور اوکان (Arthur Okun) یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم بود که در سال ۱۹۲۸ متولد شد و تا سال ۱۹۸۰ به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد. اوکان به خاطر تحقیقات گسترده‌اش در زمینه اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری اقتصادی شناخته شده است. وی همچنین یکی از اعضای مهم شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور جان اف. کندی بود. کتاب مشهور اوکان به نام "توازن و نابرابری" (Equality and Efficiency: The Big Tradeoff) همچنان در محافل آکادمیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (Aouissi, 2023).

نظریه‌های اوکان درباره شفافیت مالی و تاثیر آن بر فساد

اقتصادی

اوکان معتقد بود که شفافیت مالی نقش مهمی در کاهش فساد اقتصادی دارد. اوکان بر این باور بود که افزایش شفافیت مالی می‌تواند به کاهش فرصت‌های فساد، افزایش پاسخگویی و بهبود اعتماد عمومی منجر شود. اوکان در تحقیقات خود نشان داد که کشورهای که دارای سیستم‌های مالی شفاف‌تری هستند، معمولاً سطح فساد کمتری دارند و این به بهبود کلی وضعیت اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند (Amijaya, 2023).

اوکان در یکی از مقالات خود بیان می‌کند: "شفافیت مالی ابزاری اساسی برای جلوگیری از سوء استفاده‌های اقتصادی است. بدون شفافیت، نظارت و حسابرسی موثر غیرممکن می‌شود و این موجب افزایش فساد اقتصادی می‌گردد" (Anjum, 2022).

نظریات اوکان در زمینه شفافیت مالی تاثیر عمیقی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی داشته و بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند تا با افزایش شفافیت مالی، فساد اقتصادی را کاهش دهند.

کاربرد نظریات اوکان در تحلیل‌های اقتصادی

مسئله فساد اقتصادی و شفافیت مالی یکی از چالش‌های اصلی در اقتصادهای مدرن است که تاثیرات زیادی بر توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی دارد. فساد اقتصادی نه تنها منابع عمومی را هدر می‌دهد، بلکه مانع از رشد و توسعه پایدار می‌شود. کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی دو مسئله حیاتی برای هر اقتصاد موفق و پایدار هستند. فساد اقتصادی می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی، افزایش نابرابری و کاهش بهره‌وری منجر شود. از سوی دیگر، شفافیت مالی به افزایش اعتماد عمومی، بهبود تخصیص منابع و کاهش ریسک‌های اقتصادی کمک می‌کند. بنابراین، اهمیت این مسائل در سطح کلان اقتصادی و اجتماعی قابل توجه است. براساس مطالعات انجام شده، اجرای سیستم‌های مالی اسلامی می‌تواند به کاهش فساد و بهبود شفافیت مالی کمک کند (Moakhar et al., 2022).

آرتور اوکان یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم است که نظریات او در زمینه شفافیت مالی و تاثیر آن بر فساد اقتصادی شناخته شده است. اوکان معتقد است که افزایش شفافیت مالی می‌تواند به کاهش فساد و افزایش کارایی اقتصادی منجر شود (Moakhar et al., 2022).

محمد باقر صدر، از نظریه‌پردازان برجسته اسلامی، دیدگاه‌های منحصر به فردی در مورد اقتصاد اسلامی دارد. صدر بر این باور است که قوانین اسلامی با تاکید بر عدالت و شفافیت می‌تواند به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کند. بر اساس مطالعات انجام شده، نظریات صدر نقش مهمی در توسعه نظریه‌های اقتصادی اسلامی ایفا کرده‌اند (Al-rikabi, 2012; Kambali, 2018).

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی این دو دیدگاه پرداخته و تاثیرات عملی قوانین اسلامی بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی را تحلیل خواهد کرد.

ایجاد یک سیستم اقتصادی عادلانه و پایدار منجر شوند که در آن همه افراد جامعه از فرصت‌های برابر برخوردار باشند (Firdausi & Walid, 2021).

یکی از اصول مهم اقتصادی در نظریات صدر، اصل "عدالت توزیعی" است که بر توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه تاکید دارد. صدر معتقد بود که این اصل می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش شفافیت مالی منجر شود (Furqani & Hamid, 2020).

تأثیر قوانین اسلامی بر شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی

قوانین اسلامی به طور مستقیم به شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی توجه دارند. صدر در کتاب‌های خود بیان می‌کند که اجرای قوانین اسلامی می‌تواند به بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی منجر شود. به عنوان مثال، سیستم زکات در اسلام یکی از ابزارهای مهم برای افزایش شفافیت مالی و کاهش فساد است. صدر معتقد بود که این سیستم می‌تواند به بهبود توزیع ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند (Kambali, 2018).

صدر در یکی از نوشته‌های خود بیان می‌کند: "اقتصاد اسلامی با تاکید بر شفافیت و عدالت، می‌تواند به ایجاد یک سیستم اقتصادی پایدار و عادلانه منجر شود که در آن فساد اقتصادی به حداقل ممکن می‌رسد" (Zaman, 2008). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین اسلامی با توجه به اصول اخلاقی و عدالت‌محوری، می‌توانند نقش مهمی در کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی ایفا کنند.

مقایسه تطبیقی

مقایسه نظریات اوکان و صدر

نقاط مشترک و تفاوت‌ها

نظریات آرتور اوکان و محمد باقر صدر هر دو بر اهمیت شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی تاکید دارند، اما رویکردها و چارچوب‌های نظری آن‌ها متفاوت است. اوکان به عنوان یک

نظریات اوکان در تحلیل‌های اقتصادی بسیار کاربردی هستند. یکی از کاربردهای اصلی نظریات اوکان در زمینه ارزیابی سیاست‌های مالی و اقتصادی است. تحلیلگران اقتصادی با استفاده از این نظریات می‌توانند به بررسی تأثیر شفافیت مالی بر رشد اقتصادی و کاهش فساد بپردازند. به عنوان مثال، در پژوهشی که توسط موخار و همکاران (۲۰۲۲) انجام شده است، با استفاده از نظریات اوکان نشان داده شد که افزایش شفافیت مالی می‌تواند به کاهش ریسک‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری منجر شود (Moakhar et al., 2022).

همچنین، اوکان معتقد بود که شفافیت مالی می‌تواند به بهبود مدیریت دولتی و کاهش هزینه‌های دولتی کمک کند. بر اساس تحقیقات اوکان، کشورهایی که دارای سیستم‌های مالی شفاف‌تری هستند، معمولاً دارای کارایی بالاتری در مدیریت منابع مالی خود هستند (Kamla & Alsoufi, 2015).

نظریه‌های محمد باقر صدر

معرفی کوتاه محمد باقر صدر

محمد باقر صدر یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه و اقتصاددانان اسلامی قرن بیستم بود. وی در سال ۱۹۳۵ در عراق متولد شد و در سال ۱۹۸۰ به دلیل مخالفت‌های سیاسی با حکومت وقت به شهادت رسید. صدر به خاطر تالیفات و نظریات خود در زمینه اقتصاد اسلامی شناخته شده است. کتاب‌های وی همچون "اقتصادنا" (اقتصاد ما) و "البنک اللاربوی فی الاسلام" (بانکداری بدون ربا در اسلام) از جمله منابع اصلی در مطالعات اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند (Al-rikabi, 2012).

اصول اقتصادی در اسلام بر اساس نظرات صدر

صدر معتقد بود که اقتصاد اسلامی باید بر پایه عدالت، شفافیت و اخلاقیات اسلامی بنا شود. وی تاکید داشت که قوانین اسلامی می‌توانند به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کنند. صدر بر این باور بود که اصول اقتصادی اسلامی می‌توانند به

از دیدگاه نظری، نظریات صدر با تاکید بر اصول اخلاقی و دینی می‌تواند به ایجاد یک چارچوب اخلاقی قوی برای مدیریت مالی منجر شود. صدر معتقد بود که اصول اسلامی می‌تواند به بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی کمک کند. به عنوان مثال، سیستم زکات و صدقات در اسلام، که بر شفافیت و عدالت توزیعی تاکید دارد، می‌تواند به کاهش فساد و بهبود شفافیت مالی منجر شود (Kambali, 2018).

تاثیر قوانین اسلامی بر شفافیت مالی

تحلیل قوانین اسلامی مرتبط با شفافیت مالی

قوانین اسلامی به طور مستقیم به شفافیت مالی و کاهش فساد توجه دارند. یکی از اصول مهم در این زمینه اصل "حسابداری و حسابرسی" است که در قرآن و سنت به آن اشاره شده است. این اصل بر اهمیت دقت در امور مالی و شفافیت در معاملات تاکید دارد. صدر در این زمینه بیان می‌کند: "قوانین اسلامی با تاکید بر شفافیت و عدالت، می‌تواند به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کند" (Zaman, 2008).

سیستم زکات و صدقات در اسلام نیز به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای افزایش شفافیت مالی و کاهش فساد اقتصادی شناخته می‌شود. این سیستم با تاکید بر عدالت توزیعی و شفافیت در تخصیص منابع، می‌تواند به بهبود شفافیت مالی منجر شود (Firdausi & Walid, 2021). صدر معتقد بود که این سیستم می‌تواند به بهبود توزیع ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند (Furqani & Hamid, 2020).

مقایسه با سیستم‌های مالی غیراسلامی

در مقایسه با سیستم‌های مالی غیراسلامی، سیستم‌های مالی اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که می‌تواند به بهبود شفافیت مالی کمک کند. به عنوان مثال، در سیستم‌های مالی غیراسلامی، تمرکز بیشتری بر روی سودآوری و کارایی اقتصادی وجود دارد، در حالی که در سیستم‌های مالی اسلامی، تاکید بیشتری

اقتصاددان غربی، از دیدگاه‌های لیبرال و اقتصاد کلان به مسئله نگاه می‌کند، در حالی که صدر از دیدگاه اسلامی و بر اساس اصول شریعت به تحلیل اقتصادی می‌پردازد (Aouissi, 2023).

نقاط مشترک بین این دو نظریه شامل تاکید بر شفافیت مالی، پاسخگویی و عدالت اقتصادی است. هر دو معتقدند که شفافیت مالی می‌تواند به کاهش فساد و بهبود اعتماد عمومی منجر شود. به عنوان مثال، اوکان بر این باور است که افزایش شفافیت مالی باعث کاهش فرصت‌های فساد و افزایش پاسخگویی می‌شود (Amijaya, 2023). از سوی دیگر، صدر نیز بر اهمیت شفافیت در سیستم‌های مالی اسلامی تاکید دارد و معتقد است که اصول اسلامی می‌تواند به بهبود شفافیت مالی و کاهش فساد کمک کند (Firdausi & Walid, 2021).

تفاوت‌های اصلی بین این دو نظریه در رویکردهای بنیادین آن‌ها به اقتصاد و اخلاقیات نهفته است. اوکان به توازن بین کارایی و عدالت اقتصادی اشاره دارد، در حالی که صدر بر عدالت توزیعی و اخلاقیات اسلامی تاکید می‌کند (Furqani & Hamid, 2020). اوکان از ابزارهای اقتصادی و مدیریتی برای دستیابی به شفافیت استفاده می‌کند، در حالی که صدر بر اصول اخلاقی و دینی برای تحقق این هدف تکیه دارد (Kamla & Alsoufi, 2015).

بررسی تطبیقی تاثیرات این نظریات بر شفافیت مالی

تاثیرات نظریات اوکان و صدر بر شفافیت مالی می‌تواند از دو جنبه مختلف مورد بررسی قرار گیرد: از دیدگاه عملی و از دیدگاه نظری. از دیدگاه عملی، نظریات اوکان به طور گسترده در سیاست‌های مالی و اقتصادی کشورها به کار گرفته شده‌اند. بسیاری از کشورها با اتخاذ سیاست‌های شفافیت مالی و مدیریت بهتر منابع، توانسته‌اند فساد اقتصادی را کاهش دهند و شفافیت مالی را بهبود بخشند (Moakhar et al., 2022).

موانع سیاسی: در بسیاری از کشورها، اجرای قوانین اسلامی با موانع سیاسی روبرو است. به طور مثال، عدم حمایت دولت‌ها و نهادهای قانونی می‌تواند به مانع بزرگی برای اجرای این قوانین تبدیل شود. برخی دولت‌ها به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک از اجرای قوانین اسلامی در حوزه مالی پرهیز می‌کنند (Al-rikabi, 2012).

موانع اقتصادی: از دیدگاه اقتصادی، تطبیق سیستم‌های مالی اسلامی با سیستم‌های مالی موجود می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. بسیاری از کشورهای جهان به دلیل ساختارهای اقتصادی پیچیده و وابستگی به سیستم‌های مالی بین‌المللی، با مشکلاتی در پذیرش و اجرای قوانین اسلامی روبرو هستند. به عنوان مثال، تطبیق سیستم بانکداری بدون ربا با سیستم‌های بانکداری متعارف، نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای مالی و بانکی است (Moakhar et al., 2022).

راهکارهای مقابله با این چالش‌ها

برای مقابله با چالش‌های اجرایی قوانین اسلامی، می‌توان به راهکارهای مختلفی اشاره کرد: آموزش و فرهنگ‌سازی: یکی از راهکارهای مهم برای مقابله با موانع فرهنگی، افزایش آگاهی عمومی درباره مزایا و اصول قوانین اسلامی در حوزه مالی است. برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویج فرهنگ اسلامی می‌تواند به افزایش پذیرش این قوانین کمک کند (Kambali, 2018).

حمایت سیاسی: برای مقابله با موانع سیاسی، نیاز به حمایت دولت‌ها و نهادهای قانونی است. ایجاد بسترهای قانونی و حمایت‌های دولتی می‌تواند به اجرای قوانین اسلامی در حوزه مالی کمک کند. به عنوان مثال، تصویب قوانین حمایتی و ایجاد نهادهای نظارتی می‌تواند به بهبود اجرای این قوانین کمک کند (Amijaya, 2023).

بر عدالت و اخلاقیات وجود دارد (Kamla & Alsoufi, 2015).

تحقیقات نشان داده است که کشورهایی که از سیستم‌های مالی اسلامی استفاده می‌کنند، معمولاً دارای سطح کمتری از فساد اقتصادی هستند و شفافیت مالی بالاتری دارند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط موخار و همکاران (۲۰۲۲) انجام شده است، نشان داد که افزایش شفافیت مالی در کشورهایی با سیستم‌های مالی اسلامی، به کاهش ریسک‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری منجر شده است (Moakhar et al., 2022).

به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین اسلامی با تاکید بر شفافیت، عدالت و اخلاقیات، می‌تواند به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کند. این قوانین در مقایسه با سیستم‌های مالی غیراسلامی، دارای رویکردی جامع‌تر و انسانی‌تر هستند که می‌تواند به بهبود کلی وضعیت اقتصادی و اجتماعی منجر شود (Amijaya, 2023).

چالش‌ها و موانع

چالش‌های اجرایی قوانین اسلامی

موانع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

اجرای قوانین اسلامی در حوزه مالی و اقتصادی با چالش‌های متعددی مواجه است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد.

موانع فرهنگی: یکی از مهم‌ترین موانع فرهنگی، تفاوت‌های اساسی در باورها و ارزش‌های جامعه است. بسیاری از جوامع به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، پذیرای قوانین اسلامی در حوزه مالی نیستند. به عنوان مثال، سیستم‌های مالی در کشورهای غربی بر پایه اصول لیبرال و فردگرایی بنا شده‌اند که با اصول جمع‌گرایی و عدالت‌محوری در اسلام تفاوت‌های اساسی دارند (Firdausi & Walid, 2021).

سازگاری این سیستم‌ها با نظام‌های مالی جهانی کمک کند. این استانداردها باید با توجه به اصول اسلامی و نیازهای بازارهای جهانی تدوین شوند (Kamla & Alsoufi, 2015).

همکاری بین‌المللی: تقویت همکاری‌های بین‌المللی میان نهادهای مالی اسلامی و غیر اسلامی می‌تواند به بهبود تطبیق این سیستم‌ها کمک کند. ایجاد مجامع بین‌المللی برای تبادل دانش و تجربیات در زمینه بانکداری و مالی اسلامی می‌تواند به این هدف کمک کند (Furqani & Hamid, 2020).

توسعه ابزارهای مالی منطبق با شریعت: ایجاد و توسعه ابزارهای مالی جدید که با اصول شریعت سازگار باشند، می‌تواند به بهبود سازگاری این سیستم‌ها کمک کند. به عنوان مثال، توسعه اوراق صکوک و سایر ابزارهای مالی اسلامی می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و بهبود سازگاری کمک کند (Aouissi, 2023).

نتیجه‌گیری

خلاصه‌ای از یافته‌های مقاله

در این مقاله، تاثیر قوانین اسلامی بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی بر اساس نظریات آرتور اوکان و محمد باقر صدر مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا مبانی نظری این دو نظریه پرداز بزرگ تحلیل شد و سپس مقایسه‌ای تطبیقی میان نظریات آن‌ها صورت گرفت. نتایج نشان داد که هر دو نظریه بر اهمیت شفافیت مالی و کاهش فساد تاکید دارند، اما رویکردهای متفاوتی را برای دستیابی به این اهداف پیشنهاد می‌کنند.

اوکان بر این باور است که شفافیت مالی می‌تواند به کاهش فساد و افزایش پاسخگویی منجر شود. وی تاکید دارد که با ایجاد ساختارهای مالی شفاف، می‌توان از سوء استفاده‌های اقتصادی جلوگیری کرد و اعتماد عمومی را بهبود بخشید (Aouissi, 2023). در مقابل، صدر با تاکید بر اصول اسلامی و عدالت توزیعی، معتقد است که قوانین اسلامی می‌توانند به بهبود شفافیت

اصلاحات اقتصادی: برای مقابله با موانع اقتصادی، نیاز به اصلاحات ساختاری در سیستم‌های مالی و بانکی است. ایجاد سیستم‌های مالی مختلط که قابلیت انطباق با اصول اسلامی و سیستم‌های مالی متعارف را داشته باشند، می‌تواند به بهبود اجرای این قوانین کمک کند. به عنوان مثال، توسعه بانک‌های اسلامی و ایجاد ابزارهای مالی منطبق با شریعت می‌تواند به کاهش این موانع کمک کند (Kamla & Alsoufi, 2015).

تطابق نظریات با شرایط جهانی

بررسی امکان تطبیق قوانین اسلامی با نظام‌های مالی جهانی

تطبیق قوانین اسلامی با نظام‌های مالی جهانی یکی از چالش‌های مهم در اجرای این قوانین است. با توجه به تفاوت‌های اساسی در اصول و مبانی اقتصادی، تطبیق این قوانین با سیستم‌های مالی جهانی نیازمند بررسی دقیق و انجام تغییرات اساسی است.

نقاط مشترک و تفاوت‌ها: بسیاری از اصول اقتصادی اسلامی مانند عدالت توزیعی، شفافیت مالی و اخلاقیات اسلامی، می‌تواند با اصول برخی از سیستم‌های مالی جهانی همپوشانی داشته باشند. اما تفاوت‌های اساسی مانند ممنوعیت ربا و تاکید بر زکات و صدقات، نیازمند ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای مالی جهانی است (Furqani & Hamid, 2020).

راهکارهای تطبیق: یکی از راهکارهای تطبیق، ایجاد چارچوب‌های قانونی و مالی مشترک است که قابلیت انطباق با هر دو سیستم را داشته باشد. به عنوان مثال، توسعه استانداردهای بین‌المللی برای بانکداری اسلامی می‌تواند به بهبود تطبیق این سیستم‌ها با نظام‌های مالی جهانی کمک کند (Moakhar et al., 2022).

پیشنهادات برای سازگاری و بهبود

برای بهبود سازگاری قوانین اسلامی با نظام‌های مالی جهانی، می‌توان به پیشنهادات زیر اشاره کرد: توسعه استانداردهای بین‌المللی: ایجاد و توسعه استانداردهای بین‌المللی برای بانکداری و مالی اسلامی می‌تواند به بهبود

استفاده می‌کنند، می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های این سیستم‌ها کمک کند. این تحلیل‌ها می‌تواند به شناسایی بهترین روش‌ها برای تطبیق و بهبود سیستم‌های مالی اسلامی کمک کند (Kamla & Alsoufi, 2015).

بررسی تاثیرات اجتماعی و فرهنگی: تحقیقات بیشتر در مورد تاثیرات اجتماعی و فرهنگی قوانین اسلامی بر شفافیت مالی و کاهش فساد می‌تواند به درک بهتر از چالش‌ها و فرصت‌های اجرای این قوانین کمک کند. این بررسی‌ها می‌تواند به شناسایی موانع فرهنگی و اجتماعی و ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله با آن‌ها کمک کند (Firdausi & Walid, 2021).

توسعه ابزارهای مالی اسلامی: تحقیقات بیشتر در زمینه توسعه و بهبود ابزارهای مالی اسلامی می‌تواند به افزایش کارایی و شفافیت این سیستم‌ها کمک کند. ایجاد و توسعه استانداردهای بین‌المللی برای ابزارهای مالی اسلامی می‌تواند به بهبود سازگاری این سیستم‌ها با نظام‌های مالی جهانی کمک کند (Aouissi, 2023). در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین اسلامی با تاکید بر اصول عدالت، شفافیت و اخلاقیات، می‌تواند به طور قابل توجهی به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کنند. با این حال، برای دستیابی به این اهداف، نیاز به تحقیقات و تلاش‌های بیشتری در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مالی و کاهش فساد اقتصادی کمک کنند. صدر بر این باور است که اصول اقتصادی اسلامی می‌تواند به ایجاد یک سیستم اقتصادی عادلانه و پایدار منجر شود که در آن همه افراد جامعه از فرصت‌های برابر برخوردار باشند (Firdausi & Walid, 2021).

تاثیر کلی قوانین اسلامی بر کاهش فساد و بهبود شفافیت مالی قوانین اسلامی با تاکید بر اصولی همچون شفافیت، عدالت و اخلاقیات، می‌تواند به طور قابل توجهی به کاهش فساد اقتصادی و بهبود شفافیت مالی کمک کنند. به عنوان مثال، سیستم زکات و صدقات در اسلام، که بر شفافیت و عدالت توزیعی تاکید دارد، می‌تواند به کاهش فساد و بهبود شفافیت مالی منجر شود (Furqani & Hamid, 2020).

بر اساس مطالعات مختلف، اجرای قوانین اسلامی در کشورهایی که از این قوانین تبعیت می‌کنند، منجر به بهبود شاخص‌های شفافیت مالی و کاهش سطح فساد اقتصادی شده است. این نشان‌دهنده تاثیر مثبت قوانین اسلامی بر بهبود ساختارهای مالی و اقتصادی است (Moakhar et al., 2022).

برای بهبود و تکمیل تحقیقات در این زمینه، پیشنهادات زیر می‌تواند مفید باشد:

تحقیقات تجربی بیشتر: انجام تحقیقات تجربی بیشتر در کشورهایی که از قوانین اسلامی تبعیت می‌کنند، می‌تواند به درک بهتر تاثیرات این قوانین بر کاهش فساد و بهبود شفافیت مالی کمک کند. این تحقیقات می‌تواند شامل مطالعه موردی و تحلیل آماری از داده‌های مالی و اقتصادی باشد (Amijaya, 2023).

تحلیل مقایسه‌ای بین‌المللی: انجام تحقیقات مقایسه‌ای بین‌المللی بین کشورهایی که از سیستم‌های مالی اسلامی و غیر اسلامی explores the impact of Islamic laws on reducing economic corruption and improving financial transparency through the lenses of Arthur Okun's and Mohammad Baqir al-Sadr's theories. Okun, a prominent 20th-century

EXTENDED ABSTRACT

Economic corruption and financial transparency are critical issues in modern economies, affecting economic development, social justice, and public trust. This article

economist, emphasized the importance of financial transparency for reducing corruption. Al-Sadr, a leading Islamic scholar, advocated for economic principles rooted in Islamic justice and ethics (Anjum, 2022). The article aims to compare these perspectives and analyze the practical implications of Islamic laws in financial systems.

Theoretical Framework

Arthur Okun's theories center around the balance between economic efficiency and social equity. He argued that increased financial transparency reduces opportunities for corruption and enhances accountability, which in turn fosters economic growth and public trust (Aouissi, 2023). Okun's work, particularly in his book "Equality and Efficiency: The Big Tradeoff," highlights the necessity of transparent financial practices to maintain economic integrity and efficiency (Anjum, 2022). On the other hand, Mohammad Baqir al-Sadr's theories integrate Islamic jurisprudence with economic principles, emphasizing distributive justice and moral governance. Al-Sadr posited that Islamic economic principles, such as zakat (charity) and prohibition of riba (usury), inherently promote financial transparency and reduce corruption by aligning economic activities with ethical norms (Furqani & Hamid, 2020).

Comparative Analysis

Comparing the theories of Okun and Al-Sadr reveals both commonalities and divergences. Both theorists underscore the importance of transparency and accountability in mitigating corruption. However, Okun's approach is grounded in liberal economic principles and empirical analysis, while Al-Sadr's perspective is deeply rooted in Islamic ethics and jurisprudence. Okun advocates for institutional reforms and regulatory frameworks to enhance transparency (Kamla & Alsoufi, 2015), whereas Al-Sadr emphasizes

moral and religious obligations as fundamental to economic governance (Firdausi & Walid, 2021). This comparative analysis demonstrates that while the underlying principles of both theorists aim to achieve similar outcomes, their methodologies and philosophical foundations differ significantly.

Practical Implications

The practical implications of implementing Islamic laws in financial systems are multifaceted. Islamic financial practices, such as zakat and prohibition of riba, promote financial transparency and equitable wealth distribution, thereby reducing corruption (Moakhar et al., 2022). Empirical studies indicate that countries with robust Islamic financial systems tend to exhibit lower levels of economic corruption and higher financial transparency (Amijaya, 2023). For instance, the implementation of Islamic banking practices in countries like Malaysia and Saudi Arabia has led to improved financial governance and reduced instances of financial misconduct (Kambali, 2018). These examples highlight the potential of Islamic laws to foster a more transparent and equitable financial system.

Challenges and Recommendations

Despite the potential benefits, the implementation of Islamic laws faces significant challenges. Cultural, political, and economic barriers often impede the adoption of Islamic financial principles on a broader scale. Cultural resistance to change, political reluctance, and the complexity of integrating Islamic principles with existing financial systems are notable obstacles (Al-rikabi, 2012). To address these challenges, a multi-faceted approach is necessary. This includes educational initiatives to raise awareness about the benefits of Islamic financial practices, political support to create conducive regulatory environments, and innovative

financial instruments that bridge the gap between Islamic and conventional financial systems (Firdausi & Walid, 2021).

Conclusion

In conclusion, Islamic laws have the potential to significantly reduce economic corruption and enhance financial transparency by aligning financial practices with ethical and moral principles. The comparative analysis of Arthur Okun's and Mohammad Baqir al-Sadr's theories provides a comprehensive understanding of how transparency and accountability can be achieved through different philosophical and methodological approaches. While Okun's theories advocate for institutional reforms and regulatory measures, Al-Sadr's principles emphasize the intrinsic value of ethical governance rooted in Islamic jurisprudence. Future research should focus on empirical studies that further explore the practical outcomes of implementing Islamic financial practices and develop frameworks for integrating these principles into global financial systems. This will not only enhance our understanding of the benefits of Islamic laws but also provide actionable insights for policymakers and financial institutions aiming to reduce corruption and improve financial transparency.

References

- Al-rikabi, J. (2012). Baqir Al-Sadr and the Islamic State: A Theory for 'Islamic Democracy'. *Journal of Shi a Islamic Studies*, 5(3), 249-275. <https://doi.org/10.1353/isl.2012.0041>
- Amijaya, R. N. F. (2023). Does Islamic Finance Matter for Poverty Development in Indonesia? *Airlangga Journal of Innovation Management*, 4(2), 185-197. <https://doi.org/10.20473/ajim.v4i2.49756>
- Anjum, M. I. (2022). An Islamic Critique of Rival Economic Systems' Theories of Interest. *International Journal of Ethics and Systems*, 38(4), 598-620. <https://doi.org/10.1108/ijoes-08-2021-0155>
- Aouissi, A. (2023). The Islamic Economic System From a Normative Point of View Design Based on Questionnaire Tool. *Islam Ekonomisi Dergisi*, 3(1), 1-30. <https://doi.org/10.55237/jie.1094966>
- Firdausi, F., & Walid, K. A. (2021). Analisis Kritis Filsafat Muhammad Bāqir Al-Şadr Terhadap Sistem Ekonomi Neoliberal. *Kanz Philosophia a Journal for Islamic Philosophy and Mysticism*, 7(2), 135-158. <https://doi.org/10.20871/kpjipm.v7i2.179>
- Furqani, H., & Hamid, A. (2020). Konsep Distribusi Muhammad Baqir Al-Sadr Dan Perbandingannya Dengan Teori Keadilan Distribusi Kontemporer. *Muqtasid Jurnal Ekonomi Dan Perbankan Syariah*, 10(2), 107-123. <https://doi.org/10.18326/muqtasid.v10i2.107-123>
- Kambali, M. (2018). Relevansi Pemikiran Ekonomi Muhammad Baqir Ash-Sadr. *Jes (Jurnal Ekonomi Syariah)*, 2(2), 185-192. <https://doi.org/10.30736/jes.v2i2.38>
- Kamla, R., & Alsoufi, R. (2015). Critical Muslim Intellectuals' Discourse and the Issue of 'Interest' (<i>ribā</i>): Implications for Islamic Accounting and Banking. *Accounting Forum*, 39(2), 140-154. <https://doi.org/10.1016/j.accfor.2015.02.002>
- Moakhar, M. M. M., Esavi, M., Khademalizadeh, A., & Tari, F. (2022). Providing an Islamic Approach of Monetary Systems. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 16(2), 384-404. <https://doi.org/10.1108/imefm-02-2022-0050>
- Zaman, A. (2008). Islamic Economics: A Survey of the Literature. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1282786>